

در صفحه ۱۲ بخوانید...

حفظ میراث در بافت‌های شهری | داریوش قنبری

نقد از خود با جبران اشتباه | جلال جلالی‌زاده

بیچاره زاینده‌رود | اسفند آذری

و...

نظرات برای مشارکت

موضوع «جوامع مشارکتی» و «نظاره‌گر»، در حوزه سیاست و اجتماع در همه دنیا، با مقوله «مشارکت مردم در تعیین سرنوشت» و «نظارت بر عملکرد دولت‌ها و حکومت‌ها»، هم‌عنوان است و سوال‌ها پیش...



مشارکت یعنی

ترویج روحیه تحمل نظر مخالف

سوال مان را از نظاره‌گر شدن جامعه شروع کردیم و مثالمان همه آن وقت‌هایی بود که به جای فعال بودن در یک واقعه، آنها را تبدیل به عکس و فیلم کردیم...



هادی خانیکی: تحولات زندگی جدید، نظاره‌گری اجتماعی را تشدید می‌کند

اکثریت نظاره‌گر، اقلیت مشارکت‌جو



عکس: Gettyimages

جامعه مشارکتی؛ اعتماد عمودی و اعتماد افقی



امان‌الله قرایی مقدم جامعه‌شناس

در واقع چیزی که در این بین حاکمان و بیگانگان نتوانستند عوض کنند، مغز ایرانی، فرهنگ ایرانی و تمدن ایرانی بود.

مهم‌ترین تفاوت جامعه مشارکتی و نظاره‌گر این است که افراد در نظام مشارکتی به امور جامعه علاقه‌مند هستند آنها به نوعی دلبسته به همه امور جامعه هستند کشور را از خود می‌دانند و همه کارها مثل زندگی خصوصی، همسر و فرزند برایشان بسیار اهمیت دارد؛ این مشارکت مزایای بی‌نهایت مثبتی از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد. تولید را بالا می‌برد؛ از مدیریت نایب و هدر رفت منابع جلوگیری می‌کند؛ حاکم بودن نظام مشارکتی در جامعه به علاوه درآمد را در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات ارتقا می‌دهد و نهایتاً کشور را در مسیر توسعه پیش می‌برد. نظام مشارکتی به مردم یاد می‌دهد که در تعیین سرنوشت کشور خود را مسئول بدانند؛ از لحاظ اجتماعی کوشش کنند امور مربوط به خودشان را دلسوزانه انجام دهند و از نظر سیاسی مهم‌ترین تأثیر را دارد؛ به عبارتی جامعه مشارکتی حکومت را از خود می‌داند و همه رویدادها را فعالانه دنبال می‌کند؛ در این جامعه علاوه بر اعتماد افقی

جامعه مشارکتی با جامعه نظاره‌گر بسیار متفاوت است؛ در جامعه مشارکتی همه افراد در اموری که مربوط به سرنوشت و آینده خودشان است، اعم از تصمیم‌گیری‌ها، خط‌مشی‌ها و نظارت‌ها دخالت دارند. بر اساس سیستم مدیریت نسبیس لیکرت (Rensis Likert) در کل چهار نظام مدیریتی در جوامع وجود دارد؛ سیستم اول آمرانه بر اساس بهره‌کشی از زیردستان است که در این نظام مدیران سخت‌سلطه طلب بوده و عامه مردم اعتماد اندکی به نظام مدیریتی دارند. جهت ارتباط در این سیستم بالا به پایین است و مردم هیچ مشارکتی در تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری خط‌مشی‌های اجتماعی گرفته تا مشارکت اجرایی در امور جامعه ندارند؛ در تعریف دوم، نظام باز هم بسته است، اما آمرانه خیرخواهانه خوانده می‌شود. نظامی که در آن مدیران اعتمادی و مهرآمیز

شاهد این موضوع هم

انتخابات سال گذشته

ریاست جمهوری بود که

مردم، بیشترین مشارکت را

پای صندوق‌های رأی داشتند

و این نتیجه که برای بسیاری

باورش سخت بود را رقم زدند.

مشاهده می‌کنیم که مردم از

حالت بی‌تفاوتی و نظاره‌گری

در حال خارج شدن هستند

و به همین دلیل آینده

مشارکت‌جویانه‌تری

انتظار می‌رود

نسبت به زیردستان دارند. با این حال در این نظام هم اختیارات برای تصمیم‌گیری‌ها در چارچوب خط‌مشی‌های حاکم وجود دارد. در نظام شماره ۳ زیردستان تصمیم‌گیری می‌کنند ولی تصمیم‌نهایی را مدیریت می‌گیرد.

برخی از ارتباطات رو به بالا در این نظام دیده می‌شود؛ نهایتاً در نظام چهارم، ارتباطات از پایین به بالا در جریان است و مردم در تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مشارکت فعال دارند.

با در نظر گرفتن مدل مدیریتی لیکرت، نظام ۳ و بهتر از آن نظام ۴ همان جامعه مشارکتی است که مردم در تمام امور فعال هستند؛ در واقع در این جوامع مردم مملکت را از خود می‌دانند و به امور جامعه دلسوزانه می‌نگرند. در جامعه مشارکتی مردم اگر کوتاهی و نقیصه ببینند به گردن مسئولان و مدیران نمی‌اندازند؛ در این سیستم افراد مسئولانه حرکت می‌کنند؛ چون خود را در همه رویدادها مسئول می‌دانند، سرنوشت کلی جامعه برایشان مهم است و حضوری فعال دارند؛ نمونه این جوامع در کشور ژاپن یا کره جنوبی دیده می‌شود.

از نظر تاریخی وقتی به کشور خودمان نگاه کنیم درمی‌یابیم در برخی از زمان‌ها تاریخ ما سیستم مشارکتی در جامعه ما وجود نداشته است؛ سیستم استبدادزده، ملک‌الطوائفی و فتوالتی یا زمینداری که در طول تاریخ بر جامعه ما حاکم بود باعث شد مردم و عامه جامعه حضور مشارکتی در جامعه نداشته باشند؛ در دوران اخیر تا قبل از

انتخابات و نه حق رأی. حتی مشروطه ما هم در نوع خود متفاوت بوده در مشروطه ما شاه تصمیم گرفت و خط‌مشی برای نمایندگان ملت در جهت منافع عمده‌ای خاص بود. به همین دلیل روحیه و احساس مشارکت در میان مردم جامعه ما وجود نداشت؛ مردم منفعل و نظاره‌گر بودند. هجوم بیگانگان و بی‌کفایتی حاکمان در حالی که مردم اهمیتی به آینده کشور نمی‌دادند، مشکل ساز شد؛ با این وجود چیزی که ما را از این بلایا نجات داد و ماندگار کرد، فرهنگ و تمدن ما است.

اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد عمودی (اعتماد مردم به مسئولان) هم به وجود می‌آید. به عقیده فوکویاما، جامعه‌شناس ژاپنی، اعتماد اساسی‌ترین سرمایه اجتماعی هر کشوری است. این اعتماد به واسطه وجود روحیه مشارکتی در جامعه ایجاد می‌شود و در کشورهایی که این مشارکت وجود داشته باشد، دشمن نمی‌تواند نفوذ کند. در مقابل در مدیریت نظاره‌گر، مردم مدام می‌گویند به ما چه مربوط است! این بدترین نوع مدیریت است که مردم نسبت به رویدادها و وقایعی که در سازمان یا مجموعه بزرگتری مثل جامعه انجام می‌شود، بی‌تفاوت باشند.

این در حالی است که امروز یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی مشارکت است انتخاباتی یکی از مهم‌ترین نمادهای مشارکت مردم در جامعه است. دولت‌ها در حال حاضر تلاش می‌کنند به سمت مشارکت فعالانه همه مردم در امور اجتماعی پیش بروند.

در کشور خودمان هم می‌بینیم که جامعه ما بعد از انقلاب رفته‌رفته

پروسه دموکراسی را طی می‌کند در این بین هر دوره مردم فعال‌تر از دوره قبل هستند؛ مردم امروز نسبت به سرنوشت خود منفعل نیستند و مشارکت فعال دارند؛ شاهد این موضوع هم انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری بود که مردم، بیشترین مشارکت را پای صندوق‌های رأی داشتند و این نتیجه که برای بسیاری باورش سخت بود را رقم زدند. مشاهده می‌کنیم که مردم از حالت بی‌تفاوتی

و نظاره‌گری در حال خارج شدن هستند و به همین دلیل آینده مشارکت‌جویانه‌تری انتظار می‌رود.

پس شاید بد نیست نامزدهای انتخاباتی بعدی مجلس شورای اسلامی توجه کنند که کسب رأی آنها در انتخابات مجلس آتی که پیش رو داریم، به مراتب سخت‌تر از دوره‌های گذشته است؛ چون هنوز مردم خود را در تعیین سرنوشت کشور سهم می‌دانند.

۱- نویسنده و نظر به پیراز آمریکایی در حوزه مدیریت

که جامعه تماشایی که پدیده‌ای برآمده از تحولات جامعه جدید، محسوب می‌شود، به جای افزودن بر تعداد کنشگران، پیاده‌روها را برمی‌کند و هر روز بر تعداد افرادی که در نمایشگاه‌ها و اماکن مختلف حضور پیدا می‌کنند، می‌افزاید. منظور افرادی است که به جای یک کنش هنری و فرهنگی، فقط تماشا می‌کنند، یا کسانی که خرید را به عنوان یک تفریح در نظر می‌گیرند نه کاری برای رفع نیازهای اساسی روزانه. در این جامعه، تماشاگری بر هر نوع کنش یا آیین و عادت مقدم می‌شود. به عبارت دیگر، تماشا و رسانه‌ای شدن به جای این که وسیله‌ای برای رفتار اجتماعی باشد، تبدیل به هدف می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱-۱۰

می‌شود. به عبارت دیگر، حساسیت جامعه نسبت به مسائل پیرامونی کاهش یافته، به نوعی بی‌تفاوتی گرفتار می‌شود و به جای واکنش مطلوب، رفتار گزینشی را انتخاب می‌کند و در واقع، تماشاگر می‌شود. عوامل عدیده اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و... زمینه‌ساز وقوع چنین وضعیتی هستند. توجه کنید که این عوامل زمینه‌ساز، ضرورتاً منفی نیستند، مثل تحولات فناورانه و ارتباطی که گاهی جامعه را به واکنش‌های حاشیه‌ای و گزینشگرانه می‌رسانند. کار از راه دور، آموزش از راه دور و مثال‌هایی از این دست، به یک معنا، تغییر کنش‌ها و نوعی نظاره‌گری است و آنچه که «دوسر تو» از آن تحت عنوان «جامعه تماشایی» یاد و به گونه‌ای نقد می‌کند، این است

روند متفاوتی در جامعه در حال شکل‌گیری و بسط است؛ بدین صورت که با وقوع حادثه‌ای، مردم به جای این که به شخص مصدوم کمک کنند، اغلب با استفاده از گوشی همراه خود، فیلم و عکس می‌گیرند. نمونه‌های متعددی را نیز می‌توان نام برد. از جمله، حادثه پل مدیریت و سایر موارد مشابه. شما به عنوان یک صاحب نظر در این حوزه، چه نامی بر این جامعه نوپدید می‌نهد؟ این جامعه چه ویژگی‌ها و مولفه‌هایی دارد؟

من عنوان «جامعه نظاره‌گر» را برای توصیف این نوع جامعه به کار می‌برم. در این حالت، انفعالی مدنظر است که در برابر رخدادهای مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... دامنگیر جامعه

مینو میرزایی

مدرس دانشگاه



آقای دکتر هادی خانیکی، پژوهشگر قلمرو و ارتباطات و علوم اجتماعی، «جامعه نظاره‌گر» را روندی می‌داند که از مدتی پیش در اجتماع ما شکل گرفته و در حال انتشار است. آنچه در پی می‌آید، نظرات قابل تأمل این استاد دانشگاه درباره ابعاد مختلف این مفهوم است.

● مایه واسطه پیشینه نودوستی و توجه به حال دیگران، در دنیا شهره بودیم. اما به تازگی